

لزوم دسترسی به دانش در تحقق حقوق بشر^۱

آمنه دهشیری،^۲

محمدشریف شاهی^۳

چکیده

آنچه دوران ما را از عصر کشاورزی و صنعتی متفاوت می‌کند، سیطره دانش بر کلیه شئون و امور زندگی بشر است؛ از این روست که این دوران را عصر دانش نامیده‌اند. هرچند فعالیت‌های انسان از گذشته‌های بسیار دور عین با دانش بوده است اما حدود یک دهه است که اهمیت دانش در کسب و کار اقتصادی و تأمین نیازهای اولیه بشر، بسیار پررنگ شده است. مشکلات بشر امروز خاص اوست و هیچ‌گاه سابقه نداشته است. اما راه‌حل این مشکلات را نیز بشر امروز از طریق دانش پیشرفته خویش می‌تواند ارائه کند و پاسخ به این مسائل یعنی تأمین حیات بشر و کمک به ادامه بقا او. دانش بشری برای این که توسعه پیدا کند و بتواند برای مشکلات جدید جهانی راه حل ارائه دهد باید آزادانه به اشتراک گذاشته شود. دولت‌ها برای آن که بتوانند تعهدات حقوق بشری خود را انجام دهند نیازمند دسترسی به دانش هستند. در این مقاله توضیح داده شده است که انحصار دانش از طرف اشخاص عمومی یا خصوصی مانع تحقق حقوق بشر است، بنابراین انحصار دانش منجر به نقض حقوق بشر می‌شود.

کلیدواژه‌ها: حقوق بشر، حقوق سیاسی، حقوق مدنی، آزادی اطلاعات، آزادی بیان، حقوق اقتصادی، حق غذا.

^۱ تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۷/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۸۸/۱۱/۲۱

^۲ دانش‌آموخته کارشناس ارشد حقوق بشر، دانشگاه شهید بهشتی. (نویسنده مسئول)

^۳ عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خوراسگان.

مقدمه

در دورانی به سر می‌بریم که بشر با مشکلات فراوانی روبه روست مشکلاتی که خاص این دوران است و قبل از آن سابقه نداشته است. ولی انسان این دوران توانسته با استفاده از علم و دانش برای این مشکلات راه حل پیدا کند. برخی از این مشکلات عبارتند از: کاهش ذخایر طبیعی و جمعیت رو به افزایش جهان، آلودگی محیط زیست، موجودات در خطر انقراض، کاهش منابع انرژی و آب سالم، افزایش دمای زمین و احتمال به زیر آب رفتن ده‌ها شهر و کشور و بروز و شیوع بیماری‌های مسری و خطرناک مانند ایدز.

در این زمان دانش بشر جهت تولید انواع فرآورده‌های غذایی دستکاری شده از طریق گیاهان پر محصول و مقاوم در برابر کمبود آب، داروهای نو ترکیب، تجهیزات نانویی و رباتیک، استفاده از منابع جدید انرژی و سازگار با محیط زیست سبب سیطره علم به زندگی بشر شده است. بنابراین به اقتضای شرایط کنونی جهان، دانش جدید وارد زندگی بشر شده و به اقتضای همین شرایط، دیگر زندگی بشر بدون این دانش جدید امکان‌پذیر نیست. روزگاری علم و دانش برای کشف اسرار طبیعت تلاش می‌کرد، اما امروزه علاوه بر کشف رازهای طبیعت، دانش ثروت و رفاه به ارمغان می‌آورد و می‌تواند بشریت را به جایی برساند که ناآرامی و تنش‌های سیاسی و اجتماعی را در آن راه نباشد و نابرابری‌های اجتماعی به حداقل برسد. در اعلامیه حقوق بشر نیز در کنار توجه به حق مبتکر و مؤلف نسبت به تألیف و اختراع به حق بهره‌مندی بشریت از منافع ناشی از پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیکی نیز توجه شد.

در این نوشتار به دنبال آنیم تا ضرورت دسترسی به دانش را برای داشتن زندگی توأم با کرامت بشری در دنیای امروز مورد بررسی قرار دهیم. رابطه بین دسترسی به دانش و انجام تعهدات حقوق بشری دولت‌ها در قبال نسل اول و دوم حقوق بشر در دنیای امروز مسئله‌ای است که این نوشتار به آن می‌پردازد تا به اثبات این فرضیه پردازد که دسترسی آزادانه به دانش و به اشتراک گذاشتن آن، بدون تبعیض بین تمام ملل، ضرورتی برای تأمین زندگی با کرامت است.

۱. دسترسی به دانش، لازمه تحقق حقوق مدنی و سیاسی

حقوق مدنی و سیاسی که در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق حقوق مدنی و سیاسی مورد تأکید و حمایت قرار گرفته‌اند، نسل اول حقوق بشر نیز نامیده می‌شوند. ایران از دولت‌های امضا کننده اعلامیه و میثاق حقوق مدنی سیاسی است. بعضی از این حقوق عبارتند از حق حیات، حق آزادی از شکنجه و مجازات‌های و رفتارهای ظالمانه و ترذیلی، حق آزادی از بردگی، حق بر آزادی و امنیت شخصی، حق عبور و مرور آزادانه، حق آزادی مذهب آزادی عقیده و بیان و حق مشارکت در امور عمومی جامعه.

تحقق حقوق مدنی - سیاسی توسط دولت‌ها نیاز به تهیه امکانات خاصی ندارند و بدون هیچ فوت وقتی باید این حقوق را مورد حمایت و تضمین قرار دهند. به‌رغم این تصور سنتی که حقوق مدنی سیاسی هزینه‌ای برای دولت به همراه ندارد^۴ و به صرف عدم دخالت دولت محقق می‌شود، اما بسیاری از حقوق مدنی - سیاسی در صورتی تضمین می‌شوند که دولت برای تحقق آن اقدامات حمایتی اتخاذ کند. مانند حق مشارکت در اداره امور عمومی جامعه که در صورت وجود

^۴. Sarah Jozeph, Jenny Schult, *The International Convention on Civil and Political Right*, Oxford University Press, 2000, p.33.

انتخاباتی عاری از تقلب و سالم محقق می‌شود و چنین انتخاباتی در سایه حمایت و برنامه‌های مختلفی که دولت اجرایی کند امکان‌پذیر می‌گردد.^۵

تعهدات دولت به رعایت حقوق بشر هر چند که در داخل کشورها باید اجرا شود، اما از جنبه‌ای جهانی نیز برخوردارند، زیرا دولت‌ها نسبت به کل بشریت در قبال ایفای این تعهدات مسئولیت دارند و طبق رأی دیوان دادگستری بین‌المللی، تعهدات حقوق بشری تعهداتی همگانی و فراگیر هستند و تمام دولت‌ها در اجرای آن‌ها توسط سایر دولت‌ها دارای نفع مشروع هستند. طبق مقررات میثاق حقوق مدنی و سیاسی دولت‌ها می‌توانند از نقض این حقوق توسط هر یک از دولت‌ها به کمیته حقوق بشر شکایت خود را اعلام کنند.^۶ هر چند که طرف تعهد در حقوق بشر نسل اول و دوم دولت‌ها هستند و نباید حقوق بشری افراد را نقض کنند. اما علاوه بر این دولت‌ها باید مانع نقض این حقوق توسط اشخاص خصوصی حقیقی یا حقوقی نیز شوند.^۷

یکی از بنیادین‌ترین حقوق بشری که در دسته حقوق مدنی و سیاسی قرار دارد حق حیات است و بقیه حقوق به نوعی تضمین‌کننده این حق بنیادین هستند؛ مانند حق سلامت و حق غذا. در جهان امروز تحقق سلامتی و دسترسی به غذای کافی در گرو آن است که ملت‌ها به دانش و تکنوژی روز دسترسی داشته باشند. علاوه بر حق حیات در میان حقوق مدنی سیاسی آزادی بیان و مشارکت در اداره امور عمومی نیز مستلزم آن است آزادی دسترسی به اطلاعات تأمین شود.

۱-۱. حق آزادی بیان و دسترسی به دانش

۱-۱-۱. حق آزادی بیان

ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر حق آزادی بیان را شامل حق آزادی تحصیل فکر و عقیده بدون هیچ‌گونه مداخله و همچنین آزادی جستجو، دریافت و انتقال اطلاعات و ایده‌ها از طریق تمام وسایل و بدون توجه به ملاحظات مرزی، می‌داند. ماده ۱۹ میثاق حقوق مدنی سیاسی نیز آزادی جستجو، دریافت و اشاعه ایده‌ها و اطلاعات را به هر شکلی اعم از شفاهی، کتبی، چاپی و یا در قالب و شکل هنری، و به هر وسیله دلخواه را جزء آزادی بیان دانسته است.

ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر حفظ از حق دریافت و انتقال اطلاعات و اندیشه‌ها به‌عنوان حقوق پیرامونی حق آزادی بیان نام برده است و از آزادی جستجوی اطلاعات و اندیشه‌ها سخنی نگفته است. اما باید توجه داشت که انتشار و انتقال اطلاعات و اندیشه‌ها زمانی معنای واقعی پیدا می‌کند که افراد در جستجوی خود برای پیدا کردن اطلاعات و اندیشه‌ها با موانعی روبه‌رو نشوند. فرد برای آن که عقیده و نظر مختص به خود را داشته باشد (حق داشتن عقیده و نظر) و از حق آزادی بیان منتفع شود، نیاز مبرمی به یافتن اطلاعات و اندیشه‌ها دارد. این اطلاعات و اندیشه‌ها هستند که در تبادل و داد و ستد آزاد بین اذهان باعث شکل‌گیری عقیده و بیان می‌شوند.^۸

^۵. Human Rights Committee, General Comment no. 31, para 17.

^۶. ماده ۴۱ میثاق حقوق مدنی و سیاسی.

^۷. Human Rights Committee, General Comment no. 31, para 7.

^۸. سید محمد قاری سیدفاطمی، «توسعه قلمرو و تضييق محدودیت آزادی بیان در آیین حقوق بشر معاصر»، *مجله تحقیقات حقوقی* شماره ۴۱، ۱۳۸۴، ص ۲۳۹.

بنابراین آزادی بیان، همنشینی همیشگی با آزادی جستجو، دریافت و انتقال اطلاعات دارد. تفسیرهای ارائه شده در مورد ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نشان دهنده آن است که حق آزادی بیان در بردارنده حق جستجوی اطلاعات نیز می باشد، هر چند که از این حق صراحتاً در ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نام برده نشده است.^۹

۲-۱-۱. قلمرو حق جستجو و دریافت اطلاعات

می توان گفت حق آزادی بیان یک حق مرکزی است که حق های جستجو، دریافت و انتقال اطلاعات در پیرامون آن قرار دارند و زمینه را برای تحقق آن فراهم می کنند. حتی با گذشت زمان و ایجاد پیشرفت های شگفت انگیز در عرصه تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات، قلمرو حق جستجو و دریافت اطلاعات به نحو صریح و روشنی مشخص نشده است. اما با توجه به اسناد بین المللی در مورد این حق می توان حق جستجو و دریافت اطلاعات را بردارنده موارد زیر دانست:

(۱) هر کسی حق دارد به اطلاعات مربوط به هر موضوعی که خود انتخاب می کند دست پیدا کند. موضوع این اطلاعات می تواند طیف وسیعی از اطلاعات علمی، ادبی، هنری و... را شامل شود. عبارت «اطلاعات» به کار رفته در اسناد حقوق بشری مانند ماده ۱۹ اعلامیه حقوق بشر و میثاق حقوق مدنی و سیاسی معنایی عام دارد.

(۲) حق جستجو و دریافت اطلاعات، دسترسی به قالب های مختلفی که اطلاعات از طریق آن ها ارائه می شود را شامل می شود مانند کتاب، فایل کامپیوتری، فیلم، صدا و قالب های هنری. ماده ۱۹ میثاق مدنی و سیاسی نیز تصریح دارد به دسترسی به اطلاعات در هر شکل شفاهی، کتبی و چاپی یا قالب های هنری و به هر وسیله دلخواه.

(۳) حق جستجو و دریافت اطلاعات، شامل رفع موانع برای به دست آوردن اطلاعات نیز می شود مانند فراهم بودن تکنولوژی ارتباطات و اطلاعات لازم برای به دست آوردن اطلاعات از طریق اینترنت، آزادی مسافرت برای به دست آوردن اطلاعات، از طریق تحصیل، شرکت در کنفرانس ها و سمینارها و یا جمع آوری اخبار و گزارش های ژورنالیستی.^{۱۰} حق جستجو و دریافت اطلاعات طبق اعلامیه حقوق بشر و میثاق حتی موانعی همچون مرزها را نیز پشت سر می نهد.

۳-۱-۱. تکالیف دولت ها در قبال حق جستجو و دریافت اطلاعات

به طور کلی تعهدات دولت ها در مورد حق جستجو و دریافت اطلاعات را می توان در دو سطح مورد مطالعه قرار داد: تعهدات دولت در قبال افراد خود، و تعهد دولت ها در قبال جامعه بین المللی.

ماده ۲ میثاق حقوق مدنی سیاسی به تعهدات دولت های عضو در قبال افراد به عنوان دارندگان حق اشاره کرده است. علاوه بر این هر دولت عضو در اجرای تعهدات سایر دولت های عضو دارای نفع حقوقی است و این امر ناشی از آن است که قواعد مربوط به حقوق اساسی انسان، تعهداتی در قبال همگان هستند.^{۱۱} در بند ۴ مقدمه میثاق آمده است تعهدی برخاسته از منشور ملل متعهد در مورد پیشبرد احترام جهانی به حقوق بشر و آزادی های اساسی و رعایت آن ها، وجود دارد.

^۹. Loukis G. Loucaides, *Essays on the Developing Law of Human Rights*, Martinus Nijhoff Publishers, 1995, p. 19.

^{۱۰}. Ibid. p. 5.

^{۱۱}. Human Rights Committee, General Comment no. 31.

به دلیل واقعیت وابستگی متقابل ملت‌ها و به‌خصوص گردش بین‌المللی اطلاعات و اندیشه‌ها در قالب آثار ادبی و هنری، چه بسا ممکن است اقدامات یک دولت در درون سرزمین خود ناقض حقوق افراد واقع در آن سرزمین نباشد، ولی همین اقدامات بهره‌مندی افراد واقع در سرزمین دولت دیگر را از حقوق بشر متأثر سازد.

۴-۱-۱. دانش و حق جستجو و دریافت اطلاعات

همچنان که هیچ‌کس نباید برای بیان افکار خود با مانعی روبه‌رو شود، همگان از این حق نیز برخوردارند که به افکار بیان شده توسط دیگران نیز دسترسی داشته باشند. برای رسیدن به دانش، اطلاعات باید رد و بدل، مقایسه، نقد و ارزیابی و جذب شوند. در صورتی که یک جامعه اطلاعاتی جهانی وجود داشته باشد، تضمین لازم برای تحقق آزادی بیان و آزادی تحقیقات علمی وجود دارد. جامعه اطلاعاتی جهانی جامعه‌ای است که افراد برای دسترسی به اطلاعات در آن با مانع روبه‌رو نیستند و با فراهم بودن امکانات تکنولوژی اطلاعات به‌طور مناسب برای همه امکان دسترسی به اطلاعات به‌طور منصفانه‌ای فراهم است.^{۱۲}

برای این که اطلاعات ارائه شده در جامعه اطلاعاتی، واقعی و مناسب باشند، باید امکان دسترسی به منابع اطلاعاتی مختلف وجود داشته باشد تا در فضایی چندصدایی امکان مقایسه و نقد اطلاعات ارائه شده وجود داشته باشد.

۲-۱-۲. حق مشارکت در زندگی عمومی و دسترسی به دانش

۱-۲-۱-۲. حق مشارکت در زندگی عمومی

ماده ۲۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر مقرر می‌دارد: «هرکس حق دارد در اداره امور عمومی کشور خود به‌نحو مستقیم و یا با واسطه نمایندگانی که آزادانه انتخاب می‌کند شرکت کند». ماده ۲۵ میثاق حقوق مدنی و سیاسی نیز حق مشارکت در اداره عمومی کشور را به‌عنوان یک حق بشری شناسایی کرده است.

اگر سیاست به معنای تصمیم‌گیری و اعمال تصمیم برای کل جامعه توسط حکومت باشد^{۱۳} پس می‌توان مشارکت مردم در اداره امور عمومی را مشارکت سیاسی نامید. مشارکت سیاسی به معنی فرصت پرداختن تعداد زیادی از شهروندان در امور سیاسی از شرط‌های لازم دموکراسی است. مشارکت افراد در اداره امور عمومی در نظام دموکراتیک، سرچشمه اصلی مشروعیت سیاسی است. در یک تعریف ساده از دموکراسی می‌توان گفت دموکراسی روشی برای حکومت است که در آن حزب یا گروه حاکم منتخب مردم است و بر اساس انتخابات آزاد، رقابتی و منظم، قدرت را برای مدتی معین به دست می‌گیرد و در جهت اهداف اعلام شده خود اعمال می‌کند.^{۱۴}

۲-۱-۲. مشارکت و آگاهی

^{۱۲}. Toward Knowledge Societies, UNESCO world report 2005, p. 28. at: www.unesco.org/publications.

^{۱۳}. حسین بشیریه، آموزش دانش سیاسی، نگاه معاصر، تهران، ۱۳۸۲، ص ۲۹.

^{۱۴}. حسین بشیریه، گذار به دموکراسی، نگاه معاصر، تهران، ۱۳۸۴، ص ۱۲.

هرچند مشارکت همگانی فی‌نفسه باعث ایجاد دموکراسی نمی‌شود، اما وجود فرصت مشارکت در فرآیند سیاسی برای شهروندان متوسط، امری ضروری برای هر دموکراسی است. رأی دادن، عادی‌ترین شکل مشارکت سیاسی در هر دموکراسی است اما یگانه شکل مشارکت نیست. می‌توان بین شکل‌های متعارف مشارکت سیاسی که در همه دموکراسی‌ها قانونی‌اند، و شکل‌های نامتعارف مشارکت سیاسی نظیر تحریم و تظاهرات که گاه ممکن است غیرقانونی باشند تمایز قائل شد. شکل‌های متعارف مشارکت سیاسی علاوه بر رأی دادن عبارتند از: شرکت در مبارزه سیاسی، همکاری با دیگران برای حل مسائل محلی و کوشش برای تحت تأثیر قرار دادن سیاستمداران و جلب کردن توجه آن‌ها به مسائل مورد توجه اشخاص.^{۱۵} امروزه همه نظام‌های سیاسی برای کسب مشروعیت و تداوم حیات خود از برچسب دموکراسی بهره‌برداری می‌کنند و با ایجاد بعضی از نهادهای سیاسی دموکراتیک مدعی چنین حقانیت یا مشروعیتی می‌شوند.^{۱۶}

البته باید توجه داشت که همیشه دموکراسی با چهره گشاده و آغوش باز مواجه نبوده و همواره در طول تاریخ انتقادات بسیاری از آن شده است. از جمله منتقدان دموکراسی افلاطون است او دموکراسی را حکومت مردمی نادان می‌داند که از فضائل و اعتدال بوئی نبرده‌اند و به راحتی فریب حکومت را می‌خورند؛ زیرا حکومت دموکراسی چیزهایی را به مردم می‌گوید که مورد علاقه آن‌هاست نه مورد نیازشان. قرن‌ها پس از افلاطون، ادموند برک در کتاب «تأملاتی در باب انقلاب در فرانسه»، دموکراسی را شرم‌آورترین نوع حکومت توصیف می‌کند زیرا مبتنی بر آراء توده‌ای است که از عقل و حکمت بی‌بهره است.^{۱۷}

این انتقادات باعث شد تا طرفداران دموکراسی متوجه خطری که ناآگاهی مردم برای دموکراسی دارد شده و به این نتیجه برسند که مشارکت باید از روی آگاهی باشد نه جهل. مردم آگاه باعث تداوم دموکراسی هستند زیرا با هوشیاری، اعمال منتخبان خود را زیر نظر دارند. از این‌روست که امروزه متفکران از معیارهایی برای سنجش دموکراسی استفاده می‌کنند و صرف شرکت مردم در انتخابات، معیار برخورداری از دموکراسی محسوب نمی‌شود. یکی از صاحب‌نظرانی که برای سنجش دموکراسی معیارهایی را ارائه داده است، رابرت دال است. او در کتاب «دموکراسی و منتقدانش»، برای سنجش نظام‌های دموکراتیک پنج ضابطه را ارائه کرده است: ۱. برابری رأی؛ ۲. مشارکت مؤثر؛ ۳. درک و فهم روشنگرانه؛ ۴. کنترل برنامه و دستور کار سیاسی؛ ۵. شمول و فراگیری.^{۱۸}

در یک نظام دموکراتیک، مردم از دو طریق می‌توانند این اطلاعات را به دست بیاورند:

۱) رسانه‌های همگانی آزاد: رسانه‌های همگانی در دموکراسی جدید نقشی حیاتی دارند؛ زیرا بخش عمده اطلاعات و برداشتی که شهروندان بر پایه آن درباره رهبران و سیاست‌های آنان تصمیم می‌گیرند، از آن‌چه در صفحه تلویزیون می‌بینند و یا در روزنامه می‌خوانند یا از رادیو می‌شنوند نشأت می‌گیرد.^{۱۹} از این‌رو نظریه پردازان دموکراسی بر این باورند که دموکراسی آن‌گاه می‌تواند کامیاب‌تر باشد که رسانه‌های همگانی هم واقعیت رویدادهای اصلی سیاسی را آن‌گونه که

^{۱۵}. سیمور مارتین لیپست، **دایره‌المعارف دموکراسی**، ترجمه کامران فانی و دیگران، وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۸۳، ص ۱۲۴۱.

^{۱۶}. همان، ص ۲۶۹.

^{۱۷}. حسین بشریه، **آموزش دانش سیاسی**، پیشین، صص ۴۴۰-۴۴۳.

^{۱۸}. R. A. Dahl, **Democracy and its Critics**, Yale University Press, London, 1989, pp. 220-222.

^{۱۹}. باقر انصاری، «مفهوم مبانی و لوازم آزادی اطلاعات»، **نامه مفید**، شماره، ۱۳۸۶، ص ۱۳۷.

هست به شیوه‌ای منعکس کنند که برای مردم عادی قابل فهم باشد، و هم عرصه آزادی برای برخورد آراء و نظریات و نقد سیاسی باشند.^{۲۰}

۲) شفاف‌سازی دولت: مردم برای این که بتوانند آگاهانه در اداره عمومی شرکت کنند نیازمند این امر هستند که از عملکرد دولت آگاه شوند و این مهم از طریق دسترسی مردم به اسناد و مدارک دولتی محقق می‌شود. در صورتی مردم می‌توانند نسبت به عملکرد دولت عکس‌العمل مناسبی داشته باشند که از برنامه‌ها، فرآیندها و دلایل اتخاذ یک تصمیم توسط دولت آگاه باشند.^{۲۱}

۳-۱-۲. آزادی اطلاعات

آزادی اطلاعات اصطلاحی است که برای دسترسی به اطلاعات موجود در مؤسسات عمومی به کار می‌رود. آزادی اطلاعات در بسیاری از کشورها به‌عنوان یک حق شناسایی شده است و به‌موجب این حق مردم می‌توانند به اطلاعاتی که در مؤسسات عمومی و گاه خصوصی نگهداری می‌شوند دسترسی داشته باشند و آن مؤسسه تنها بر مبنای دلایل احصا شده و مشخص می‌تواند درخواست افراد را برای دسترسی به اطلاعات رد کند.^{۲۲}

در مورد ارتباط حق آزادی اطلاعات و حق آزادی بیان می‌توان گفت به هر حال انسان برای داشتن عقیده متقن، نیاز به اطلاعات دارد. این عقیده می‌تواند عقیده‌ای مذهبی، فلسفی و یا عقیده‌ای سیاسی باشد. تا این‌جا آزادی اطلاعات با آزادی بیان ارتباطی نزدیک دارد و بخشی از آن است؛ اما دو تفاوت عمده بین آزادی اطلاعات و آزادی بیان وجود دارد که عبارتند از:

۱) از طرف دیگر می‌توان گفت دایره حق آزادی اطلاعات فراتر از آزادی بیان است؛ زیرا حق آزادی بیان به‌عنوان یک حق مدنی و سیاسی، مختص افراد انسانی است در حالی که حق آزادی اطلاعات شامل مطبوعات نیز می‌شود و آن‌ها نیز مانند شهروندان از حق دسترسی به اطلاعات و اسناد دولتی برخوردارند.

۲) حق جستجو و دریافت اطلاعات که از حق آزادی بیان ناشی می‌شود، تمام انواع اطلاعات را در برمی‌گیرد، اما در آزادی اطلاعات منظور از «اطلاعات»، تمام سوابق، اسناد و مدارکی است که صرف‌نظر از شکل ذخیره و نگهداری (سند، نوار، ضبط الکترونیکی و غیره) و صرف‌نظر از این که منبع تولیدکننده آن و صرف‌نظر از تاریخ تولید در یک واحد دولتی نگهداری می‌شود.^{۲۳}

نهادهای موضوع حق اطلاعات عبارتند از:

الف) مؤسسات و نهادهای دولتی که این نهادها شامل صنایع ملی و مؤسساتی که از بودجه دولتی استفاده می‌کنند نیز می‌شود.

ب) مؤسسات و سازمان‌های خصوصی در صورتی که به دلیل تفویض اختیار از جانب دولت یا هر دلیل دیگری ارائه دهنده خدمات عمومی باشند. علاوه بر این در صورتی که افشای اطلاعاتی که در اختیار مؤسسات خصوصی است بتواند در

^{۲۰}. لیست، پیشین، ص ۷۶۵.

۲۱. M. Toby, *The Public's Right to Know: Principles on Freedom of Information Legislation*, Article 19, London, 1999, Preface, aa: [www. article 19.org/](http://www.article19.org/).

^{۲۲}. Ibid.

^{۲۳}. Mendel, op. cit.

پیشگیری از ورود لطمه به منافع عمومی یا در کاهش خطر صدمه به منافع عمومی کمک کند (برای مثال در مسائل محیط زیستی)، مشمول آزادی اطلاعات می‌شوند.^{۲۴}

البته برخی از قوانین آزادی اطلاعات بسیار پیش‌تر رفته‌اند؛ برای مثال کمیسیون آفریقایی حقوق مردم در سی و دومین جلسه خود در سال ۲۰۰۴ اعلامیه‌ای در مورد اصول آزادی بیان تصویب کرده است. این اعلامیه در ماده ۴ خود بیان داشته است: «هر کس حق دسترسی به اطلاعاتی را که در دست نهادهای خصوصی است دارد، در صورتی که این اطلاعات برای اعمال حمایت از هر یک از حقوق ضروری باشند».^{۲۵}

وسعت یافتن حق اطلاعات به اطلاعات نهادهای خصوصی در ماده ۳۲ قانون اساسی آفریقای جنوبی نیز به چشم می‌خورد آن‌جا که مقرر شده است: «هر کس حق دسترسی به اطلاعاتی را که در دست دیگری است دارد، در صورتی که این اطلاعات برای حمایت یا اجرای یک حق ضروری باشند».^{۲۶}

۴-۱-۲. آزادی اطلاعات و دسترسی به دانش

بسیاری از پژوهش‌های علمی و فنی توسط مؤسسات دولتی انجام می‌شوند یا با کمک مالی مستقیم و غیرمستقیم دولت به مؤسسات خصوصی، انجام می‌شوند. بدین ترتیب، بخشی از اطلاعات و اسناد و مدارک دولتی اطلاعات و داده‌های ارزشمند علمی و فنی هستند. بنابراین تأمین حق آزادی اطلاعات، مستلزم فراهم بودن امکان دسترسی دانشمندان به این اطلاعات نیز می‌شود. از این‌رو امروزه در کشورهای مختلف، زمینه‌های فنی و قانونی مناسب برای تأمین دسترسی عمومی به داده‌ها، اطلاعات و نتایج ناشی از تحقیقات صورت گرفته با بودجه دولتی فراهم شده است. برای مثال در آمریکا پروژه‌های تحقیقاتی دولتی در یک مخزن عمومی به‌طور باز به اشتراک گذاشته می‌شوند. از طرف دیگر این گونه اطلاعات از طریق مالکیت فکری حمایت نمی‌شوند زیرا متعلق به حوزه عمومی هستند.^{۲۷}

اصطلاح حوزه عمومی در حقوق به معنای منابعی از داده‌ها و اطلاعاتی است که مقررات حقوق مالکیت فکری و یا رژیم‌های حقوقی دیگر، استفاده از آن‌ها را محدود نمی‌کنند و در نتیجه عموم می‌توانند بدون نیاز به گرفتن مجوز از آن‌ها بهره‌مند شوند.^{۲۸} داده‌ها و اطلاعاتی که داخل در تعریف حوزه عمومی هستند به دو گروه قابل تفکیک هستند:

(۱) اطلاعاتی که توسط حقوق مالکیت فکری و یا سایر محدودیت‌ها حمایت نمی‌شوند. این نوع داده‌ها و اطلاعات خود به سه دسته تقسیم می‌شوند:

^{۲۴}. Ibid.

^{۲۵}. Declaration of Principles on Freedom of Expression in Africa, African Commission on Human and Peoples' Rights, 2002, Article IV.

^{۲۶}. T. Mendel, **Freedom of Information: A Comparative Legal Survey**, Macro Graphics Pvt. Ltd., 2003, p.70.

^{۲۷}. The Role of Scientific and Technical Data and Information in the Public Domain: Proceeding of a Symposium, Steering Committee on the Role of Scientific and Technical Data and Information in the Public Domain Office of International Scientific and Technical Information Programs National Academies Press Washington, D.C, 2003, aa:www.nap.edu/catalog/10785.html, pp. 3-9

^{۲۸}. Ibid.

الف) اطلاعاتی که حقوق مالکیت فکری به دلیل ماهیت خاص منبع تولیدکننده آنها نمی‌تواند آنها را تحت پوشش خود در آورد و از آنها حمایت کند؛ مانند اطلاعات تولیدشده توسط بخش دولتی و یا تولیدشده با هزینه و کمک‌های مالی دولتی.

ب) اطلاعاتی که قابلیت حمایت شدن توسط حقوق مالکیت فکری را دارند، اما به علت سپری شدن مدت حمایت، در حوزه عمومی وارد شده‌اند. برای مثال در ایران دوره حمایت از حقوق مؤلفان، سی سال بعد از حیات مؤلف می‌باشد که بعد از سپری شدن این مدت، اثر به حوزه عمومی وارد می‌شود.

ج) اجزاء غیر قابل حمایت، از یک اثری که تحت حمایت حقوق مالکیت فکری قرار می‌گیرد. برای مثال ایده تولید یک اثر برخلاف خود اثر، قابل حمایت توسط مالکیت فکری نیست.

۲) اطلاعاتی که از قابلیت حمایت توسط حقوق مالکیت فکری برخوردارند، اما بر اساس مقررات از حمایت خارج شده‌اند؛ مانند استفاده از آثار تحت حمایت حقوق مؤلفین برای اهداف آموزشی به موجب قانون بلامانع است و نیاز به گرفتن مجوز از صاحب اثر ندارد.

نتایج حاصل از تحقیقات و پروژه‌های دولتی در دسته اول بند الف قرار می‌گیرند و جزء حوزه عمومی هستند و باید در دسترس عموم باشند. برای اثبات این گزاره می‌توان دلایل زیر را ارائه داد:

الف) نهادهای حکومتی برخلاف مؤلفان و سرمایه‌گذاران و ناشران بخش خصوصی، نیازی به آن ندارند که با اعطای حقوق مالکانه به داده‌ها و اطلاعاتی که توسط آنها تولید می‌شود، انگیزه لازم برای ادامه فعالیت خود را به دست آورند؛ زیرا آنها وظایف خود را در خصوص جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات پژوهشی، بر اساس صلاحیت خود و تکلیفی که در خصوص ارائه خدمات عمومی برعهده دارند انجام می‌دهند و نه با انگیزه دستیابی به مالکیت فکری.

ب) در مورد اطلاعاتی که توسط دولت تهیه می‌شود هزینه‌های لازم قبلاً به وسیله مالیات‌دهندگان یعنی مردم پرداخت شده است. لذا می‌توان ادعا کرد که حقوق ناشی از آن اطلاعات، به شهروندانی تعلق می‌گیرد که هزینه‌های تولید آنها را پرداخت کرده‌اند.

ج) با انتشار و اشاعه داده‌ها و اطلاعات حکومتی از طریق اینترنت، منافع زیادی نظیر رفاه اجتماعی و تحقق ارزش‌های آموزشی، فرهنگی تأمین می‌شوند که فراتر از منافع اقتصادی است که از اعمال حمایت‌های مالکیت فکری ناشی می‌شود. با توجه به مباحث پیش‌گفته می‌توان گفت حق بشری مشارکت در اداره امور عمومی، مستلزم داشتن آگاهی است و برای داشتن آگاهی لازم است که مردم بتوانند آزادانه به اطلاعات دولتی دسترسی داشته باشند. دسترسی به اطلاعات و اسناد مدارک دولتی به عنوان یک ابزار برای تحقق دموکراسی و شفافیت دولت در عرصه علم و دانش نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. زیرا بخش عمده‌ای از فعالیت‌های علمی در هر جامعه از سوی دستگاه‌های دولتی و یا با کمک دولت انجام می‌گیرد که دسترسی به آنها به معنای دسترسی به منبع با ارزشی برای رشد علم و دانش می‌باشد.

علاوه بر این، اطلاعات علمی حاصل از اقدامات دولتی داخل در حوزه عمومی هستند و مالکیت فکری نمی‌تواند دسترسی به آن را برای دانشمندان و محققان محدود کند. در حق آزادی اطلاعات، متقاضی اطلاعات، مکلف به توجیه اقدام خود برای دسترسی به اطلاعات نیست. محدودیت قابل اعمال در مورد این اطلاعات علمی از نوع همان محدودیت‌هایی است که می‌توان برای دسترسی مردم به سایر اسناد و مدارک دولتی قائل شد که برخی از آنها عبارتند از: احترام به زندگی خصوصی افراد، محرمانه بودن اطلاعات، امنیت عمومی، جلوگیری از انحراف تحقیقات راجع به

جرايم. مؤسسات عمومي بايد اطلاعات درخواستي را به متقاضی بدهند مگر آن که متوجه شوند اطلاعات درخواست شده در قلمرو نظام محدود استثناها قرار دارند. از این رو استثناها باید به صورت روشن و صریح در قانون پیش‌بینی شوند.^{۲۹}

۲. دسترسی به دانش، لازمه تحقق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

در اوایل قرن بیستم با اعلام اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از دولت‌ها خواسته شد تا برای حمایت از افراد ضعیف‌تر جامعه در برابر بی‌عدالتی‌های ناشی از رشد سرمایه‌داری اقداماتی حمایتی اتخاذ کنند. حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به اندازه حقوق مدنی سیاسی برای حفظ کرامت انسان مهم و ضروری هستند.^{۳۰} تحقق این حقوق نیازمند به فراهم بودن امکانات خاصی است که دولت‌های مختلف با توانایی‌های اقتصادی مختلف در سطوح متفاوتی می‌توانند برای تحقق این حقوق اقدام کنند. از این رو، بنا به ماده ۲ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دولت‌ها موظف شده‌اند که در سیری تکاملی تلاش خود را برای بهبود شرایط و امکانات لازم برای تحقق این حقوق به کار ببرند، به نحوی که اعمال کامل این حقوق ممکن شود. هیچ دولتی نمی‌تواند به بهانه عدم وجود امکانات از انجام تعهدات حقوق بشری خود سر باز زند.^{۳۱} حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به عنوان حقوق بشر تعهداتی همگانی را بر دولت‌ها بار می‌کنند. اقدامات دولت‌ها در حوزه داخلی برای تحقق این حقوق نباید منجر به نقض حقوق بشر در سایر کشورها شود. دولت‌ها بر اساس بند ۱ ماده ۲ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی متعهد به همکاری‌های فنی با هم در جهت تحقق این حقوق هستند. در ادامه بیش‌تر به رابطه نسل دوم حقوق بشر (حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی) با دسترسی به دانش و تعهدات دولت‌ها در این حوزه می‌پردازیم.

۲-۱. حق مشارکت در زندگی فرهنگی و دسترسی به دانش

۲-۱-۱. حق مشارکت در زندگی فرهنگی

حق مشارکت در زندگی فرهنگی در اسناد بین‌المللی حقوق بشر مورد توجه قرار گرفته است بر اساس بند ۱ ماده ۲۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر هر کس حق دارد «آزادانه» در زندگی اجتماعی شرکت کند. بعدها این حق در میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز مورد شناسایی قرار گرفت. در توصیه‌نامه یونسکو در مورد مشارکت در حیات فرهنگی با مفهوم وسیعی از فرهنگ مواجه هستیم. در این توصیه‌نامه مقرر شده است فرهنگ صرفاً انباشتی از آثار و دانشی که طبقه‌ای از نخبگان تولید، جمع‌آوری و حفظ کرده‌اند و در اختیار دیگران قرار می‌دهند نیست و نیز محدود به آثار هنری و علوم انسانی نمی‌گردد.^{۳۲}

^{۲۹}. Role of Scientific and Technical Data and Information in the Public Domain, op. cit., p. 158.

^{۳۰}. Jack Donnelly, *International Human Rights*, London, Westview Press, 1993, pp. 19-38.

^{۳۱}. See Committee on Economic Social and Cultural Rights (CESCR), General Comment No.12.

^{۳۲}. UNESCO Recommendation on Participation by the People at large in Cultural life and Their Contribution to It, 1976.

برخی نیز حیات فرهنگی را هر چیزی دانسته‌اند که جامعه بشری را از جمع حیوانات جدا می‌کند. از این نظر آزادی بیان، آزادی دین، آزادی تشکل، حق تعیین سرنوشت، حق آموزش، حق دسترسی به اطلاعات، حق انتخاب هویت و حق استفاده از زبان انتخابی خود همگی تحت عنوان حقوق فرهنگی قرار می‌گیرند.^{۳۳}

بنابراین حق مشارکت در حیات فرهنگی شامل مشارکت در تمام دستاوردهای زندگی بشری است که عبارتند از: علم، هنر، ادبیات، علوم انسانی و غیره. دانش بشری نیز در معنای موسع فرهنگ، از جایگاه خاصی برخوردار است. مشارکت در فرهنگ در دو بعد خود را نشان می‌دهد که عبارتند از: ۱. مشارکت در فرهنگ به معنای نقش داشتن در تولید آثار جدید و گسترش فرهنگ؛ ۲. مشارکت در فرهنگ به معنای بهره‌مندی از آنچه که دیگران تولید و عرضه کرده‌اند.

۱-۱-۱-۲. مشارکت به‌عنوان تولید کننده

با توجه به آنچه در توصیه‌نامه یونسکو آمده است، منظور از «مشارکت در حیات فرهنگی» فرصت‌های عینی‌ای است که در اختیار همگان قرار می‌گیرند، تا به این وسیله افراد بتوانند آزادانه مکنونات خویش را ابراز دارند، ارتباط برقرار سازند و با هدف توسعه کامل شخصیت خود و پیشرفت فرهنگی جامعه به فعالیت‌های خلاق دست بزنند.^{۳۴}

یکی از فرصت‌های عینی‌ای که باید در اختیار همه قرار داشته باشد، دسترسی آزاد و برابر به دانش بشری است. در بند ۲ ماده ۱۵ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز بر این امر تأکید شده است که حفظ و توسعه و ترویج علم و فرهنگ لازمه تحقق حق مشارکت در زندگی فرهنگی است. در متن ماده ۲۷ اعلامیه حقوق بشر بیان شده است که: «هر کس حق دارد «آزادانه» در زندگی فرهنگی اجتماعی شرکت کند». در زمان تهیه پیش‌نویس اعلامیه، کلمه «آزادانه» بنا به پیشنهاد نماینده کشور پرو به ماده اضافه شد. استدلال او این بود که عبارت «هر کس حق دارد در زندگی فرهنگی، هنری، علمی و اجتماعی مشارکت کند» کافی نیست، بلکه علاوه بر آن وجود سطحی از آزادی‌ای که بدون آن هیچ خلاقیت با ارزشی از انسان سر نمی‌زند نیز برای تحقق مشارکت ضروری است.^{۳۵}

۱-۱-۲-۲. مشارکت در فرهنگ به معنای بهره‌مندی از تولید دیگران

این بعد از مشارکت در فرهنگ بنا به آنچه که در توصیه‌نامه یونسکو آمده، شامل فرصت‌های عینی‌ای است که به‌طور خاص با ایجاد شرایط اجتماعی و اقتصادی مناسب در اختیار همگان قرار دارد تا آزادانه به کسب اطلاعات آموزشی، عملی، دانش و فهم و برخورداری از ارزش‌های فرهنگی و اموال فرهنگی بپردازند.^{۳۶} با توجه به آنچه که در ادامه بند ۱

^{۳۳}. Ragnar Adasteinsson, Pall Tborballson, "article27 in "The Universal Declaration of Human Rights: A Common Standard of achievement", Gudmundur Alfredsson, Asbjørn Eide, Martinus Nijhoff Publishers, 1999, p. 575.

^{۳۴}. UNESCO Recommendation on participation by the people at large in cultural life and their contribution to it, 1976.

^{۳۵}. Johannes Morsink, the **Universal Declaration of Human Rights: Origins, Drafting and Intent**, University of Pennsylvania Press, 1999, p.219.

^{۳۶}. UNESCO Recommendation on participation by the people at large in cultural life and their contribution to it, 1976.

ماده ۱۵ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آمده، شرکت در زندگی فرهنگی با بهره‌مند شدن از پیشرفت‌های علمی و منافع آن متلازم با یکدیگر است.

۲-۲. حق بهره‌مندی از منافع پیشرفت‌های علمی و کاربرد آن و دسترسی به دانش

۲-۲-۱. حق بهره‌مندی از منافع پیشرفت‌های علمی و کاربرد آن

در اسناد حقوق بشر حق هر انسانی در بهره‌مندی از منافع علمی و کاربردهای آن مورد شناسایی قرار گرفته است. ماده ۲۷ اعلامیه حقوق بشر می‌گوید: «هر کس حق دارد ۱. از فنون و هنرها منتفع گردد و در پیشرفت علمی و فواید آن سهم باشد». ماده ۱۵ میثاق حقوق اقتصادی اجتماعی فرهنگی می‌گوید: «کشورهای طرف این میثاق حق هر کس را در امور ذیل به رسمیت می‌شناسد... ۲. بهره‌مند شدن از پیشرفت‌های علمی و کاربردهای آن...». در ماده ۲۷ اعلامیه علاوه بر "حق سهم شدن در منافع پیشرفت‌های علمی"، از «سهم شدن در پیشرفت‌های علمی» نیز سخن شده است.

۲-۳. تأمین حق بهره‌مندی از منافع ناشی از پیشرفت‌های علم

روشن است که حق بهره‌مندی از منافع ناشی از پیشرفت‌های علمی با دسترسی آزادانه به دانش رابطه‌ای نزدیک دارد. تعهد دولت‌ها بر جلوگیری از ایجاد مانع و رفع موانع این دسترسی است. در جریان تدوین ماده ۲۷ اعلامیه نماینده یونسکو اظهار داشت: «برخورداری از منافع ناشی از پیشرفت‌های علمی شامل انتشار دانش علمی نیز می‌باشد. خصوصاً دانشی که برای روشن کردن ذهن انسان و مبارزه با تعصب، تأثیرات هماهنگ بر دولت‌ها و برای بالا بردن استانداردهای زندگی بهترین ابزار را ارائه می‌دهد. تضمین کاربرد پیشرفت‌های علمی در جهت منافع عمومی، حفظ میراث بشری، توسعه محیط‌زیست سالم و پاک، ایجاد زیرساخت‌های گسترش اطلاعات مربوط به پیشرفت علمی، جلوگیری از استفاده از پیشرفت علمی و فنی برای مقاصدی که با بهره‌مندی از تمام حقوق بشری از جمله حق حیات و بهداشت منافات دارند».^{۳۷}

حق بهره‌مندی از پیشرفت‌های علمی در صورتی محقق می‌شود که در سایه تبادل و دسترسی آزادانه به دانش این پیشرفت‌ها ادامه یابند و متناسب با نیازهای تمام بشریت راه حل‌های مناسب ارائه شوند. تنها در این صورت است که همه مردم جهان بدون تبعیض از لحاظ ملیت و قومیت و یا توسعه‌یافتگی و توسعه‌نیافتگی از این پیشرفت‌ها بهره‌مند می‌شوند. اگر دانش در یک قلمرو جغرافیایی محصور باشد.

۲-۴. حق آموزش و دسترسی به دانش

۲-۴-۱. حق بر آموزش

^{۳۷}. CESCR revised general guid lines regarding the form and content of reports to be submitted by states ۱۲rticle under ۱۲rticles 16 and 17 of the international convention on ESCR.

به موجب ماده ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۱۳ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ماده ۲۸ کنوانسیون حقوق کودک حق بر آموزش، یک حق بشری است که در نظام حقوق بشر از اهمیت خاصی برخوردار است؛ زیرا هم خود از حقوق اساسی بشری است و هم برای تحقق سایر حقوق بشر، تأمین حق آموزش ضروری است. از میان دو سطح آموزشی ابتدایی - متوسطه و آموزش عالی، نقش دسترسی به دانش جدید و دستاوردهای علمی برای ادامه حیات علمی در حوزه آموزش عالی پررنگ‌تر است. آموزش عالی به‌عنوان یکی از پایه‌های حق آموزش در اسناد حقوق بشری مورد توجه قرار گرفته است. اعلامیه حقوق بشر بر فراهم بودن آموزش عالی برای همه به‌طور مساوی به‌عنوان یک حق بشری تأکید می‌کند.^{۳۸}

۲-۴-۲. آموزش عالی و دسترسی به دانش

از آن‌چه تا به‌حال در مورد دانش گفته شد در مورد ارتباط بین دانش و آموزش می‌توان گفت:

- ۱) دانش جهانی است و بخشی از میراث مشترک بشریت است؛
 - ۲) اما توسعه و حفظ دانش مستلزم آن است که افراد در سراسر جهان در توسعه آن نقش داشته باشند؛
 - ۳) از طرفی افراد دارای تحصیلات عالی و به‌روز می‌توانند در توسعه دانش نقش آفرینی کنند و راه جدیدی را برای بهتر شدن زندگی بشر بیابند؛
 - ۴) این مهم نیز از طریق دسترسی وسیع به منابع آموزشی در سطح جهانی محقق می‌شود. دسترسی به منابع از طرق مختلفی مانند انتقال دانشجو، دسترسی به اساتید و تحقیقات جدید امکان‌پذیر است.^{۳۹}
- بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که یک رابطه دو طرفه بین حق آموزش و دسترسی آزادانه به دانش وجود دارد. از یک طرف دانش برای رشد خود به افراد آموزش دیده نیاز دارد و از طرف دیگر برای تحقق آموزشی مفید و ارزشمند، باید امکان دسترسی آزادانه به دانش فراهم باشد. در بیان ضرورت دسترسی آزادانه به دانش برای آموزش عالی فقط به بحث آزادی آکادمیک می‌پردازیم.

۲-۴-۳. آزادی آکادمیک و موانع آن

آزادی آکادمیک به این معناست که اعضای جامعه علمی به‌صورت فردی یا گروهی در دنبال کردن دانش، افکار، و گسترش و انتقال آن‌ها آزاد باشند. این آزادی باید در حوزه‌های مختلفی مانند تحقیقات، آموزش، مطالعه، گفتگو، تولید محصول، خلاقیت و نوآوری وجود داشته باشد.^{۴۰} در سال ۲۰۰۵ به دعوت دبیر کل وقت سازمان ملل، کوفی عنان، اولین کنفرانس جهانی رؤسای دانشگاه‌های جهان تشکیل شد. در این کنفرانس رؤسا و استادان از بیش از چهل دانشگاه گرد هم آمدند. در این کنفرانس آزادی آکادمیک چنین تعریف شد: «آزادی آکادمیک عبارت است از آزادی در انجام تحقیقات،

^{۳۸}. اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۲۶، بند ۱.

^{۳۹}. UNESCO Recommendation on the Recognition of Studies and Qualification in Higher Education, UNESCO General Conference, UNESCO, Paris, 1993.

^{۴۰}. CESCR, General comment no. 13, paragraph 13.

آموزش و بیان در جهت دستیابی به حقیقت و آگاهی بدون هیچ گونه مداخله خارجی و بر طبق قواعد و استانداردهایی که اقتضای دانشمند بودن است.^{۴۱}

برای تحقق آزادی آکادمیک، زمینه‌ها و شرایط مختلفی باید محقق شود. یکی از مواردی که برای پیگیری آزادانه فعالیت‌های علمی ضروری است دسترسی آزادانه به منابع دانش است. در صورتی که دستاوردهای جدید دانش در دسترس دانشمندان نباشد امکان انجام آزادانه فعالیت‌ها و تحقیقات آکادمیک وجود ندارد. بنابراین آزادی آکادمیک مستلزم آن است که دانش در درجه اول به عنوان یک کالای عمومی دیده شود و نه کالای خصوصی.^{۴۲}

در مورد قواعد مالکیت معنوی هر چند که به موجب حق ثبت اختراع^{۴۳} و حق مؤلف^{۴۴} محدودیت‌هایی برای دسترسی به دانش وجود دارند. اما در نظام مالکیت فکری آن چه بیش از همه مانعی جدی برای دسترسی به دانش محسوب می‌شود، نهاد اسرار تجاری است. بحث دیگری که باعث ایجاد محدودیت برای دسترسی به دانش در حوزه آکادمیک می‌شود مسائل مربوط به امنیت می‌باشند. در جای خود به این موانع پرداخته خواهد شد اما به طور خلاصه در این جا نیز به موضوعات تجاری شدن تحقیقات علمی و ارتباط دادن علم با مسائل امنیتی اشاره‌ای می‌شود.

۴-۲-۴. تجاری شدن تحقیقات علمی

منافع تجاری مستلزم آن است که نتایج تحقیقات فاش نشوند و به صورت اسرار تجاری مورد حمایت قرار گیرند. در نتیجه با ایجاد مانع بر سر راه انتقال اطلاعات و دانش امکان آگاهی یافتن دیگران از این دانش جدید، آزمایش ارزیابی و بررسی صحت و سقم آن وجود ندارد. به این ترتیب آزادی آکادمیک دچار خدشه می‌شود و با خدشه‌دار شدن آزادی آکادمیک در حوزه آموزش عالی حق آموزش نقض می‌شود.

۵-۴-۲. ارتباط دادن علم با مسائل امنیتی

آزادی آکادمیک امروزه به بهانه‌های مختلف امنیتی نادیده گرفته می‌شود و دولت‌ها با این گونه اقدامات مانع انتشار دانش در جهان می‌شوند. از جمله آن که از مسافرت دانشمندان و شرکت آن‌ها در کنفرانس‌های علمی جلوگیری می‌شود یا دولت‌ها به دلایل سیاسی برای انجام برخی تحقیقات علمی مانع تراشی می‌کنند.

۵-۲. حق سلامت و دسترسی به دانش

حق سلامت در اسناد مختلف حقوق بشری به عنوان یک حق بنیادین بشری مطرح شده است. ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر سلامتی، رفاه و مراقبت‌های پزشکی را به عنوان موضوعات داخل بحث استانداردهای کافی برای زندگی معرفی می‌کند. اساسنامه سازمان جهانی بهداشت بهره‌مندی از بالاترین استاندارد قابل حصول سلامتی را یکی از حقوق بنیادین

^{۴۱}. Statement on Academic Freedom, Report of the First Global Colloquium of University Presidents, held at Columbia University, January 18-19, 2005.

^{۴۲}. Academic Freedom in 21st Century, the AFT (American Federation of Teachers), Statement on Academic Freedom, 2007, p. 25 .

^{۴۳}. patent

^{۴۴}. copy right

دانسته است که برای دستیابی به سطح امنیت اهمیت اساسی دارد.^{۴۵} تأمین حق بر سلامتی رابطه تنگاتنگی با سایر حق‌های بشری دارد و به تحقق آن‌ها وابسته است. حق‌های مرتبط با سلامتی عبارتند از: حق غذا، حق مسکن، حق شغل، حق حیات، عدم تبعیض، ممنوعیت شکنجه، حریم خصوصی، دسترسی به اطلاعات و...^{۴۶}

کمیته حقوق اقتصادی اجتماعی در تلاش برای مشخص کردن قلمرو حق سلامت به‌عنوان حقی که دارای ابعاد مختلفی است تعهدات محوری دولت‌ها نسبت به حق سلامت را عبارت می‌داند از:

(۱) فراهم کردن امکان دسترسی به امکانات، کالاها و خدمات مربوط به سلامت بدون تبعیض؛
(۲) فراهم کردن امکان دسترسی به حداقل غذای ضروری‌ای که از نظر تغذیه‌ای کافی و سالم باشد و همه از گرسنگی رهایی پیدا کنند؛

(۳) فراهم کردن امکان دسترسی به مسکن و آب آشامیدنی سالم؛

(۴) فراهم کردن داروهای ضروری؛

(۵) توزیع برابر همه امکانات کالاها و خدمات مربوط به سلامت؛

(۶) اتخاذ و اجرای یک استراتژی ملی و برنامه اجرایی برای سلامت.^{۴۷}

علاوه بر این موارد ماده ۲۴ کنواسیون حقوق کودک، زمانی که از مسئولیت‌های دولت‌ها در قبال حق سلامت سخن می‌گوید، به توسعه مراقبت‌های بهداشتی پیشگیرانه اشاره می‌کند.

۱-۵-۲. تأمین حق سلامت

طبق بند ۱ ماده ۲ میثاق حقوق اقتصادی اجتماعی فرهنگی، دولت‌های عضو موظف‌اند با استفاده از حداکثر منابع موجود خود به منظور تأمین تدریجی اعمال کامل حقوق شناخته شده در این میثاق اقدام کنند و در این راه کشورهای تواناتر، موظف به ارائه کمک‌های اقتصادی و تکنولوژیکی به کشورهای کم‌توان‌تر هستند.

۲-۵-۲. دانش مربوط به سلامت

کمیته حقوق اقتصاد و اجتماعی فرهنگی، در نظریه عمومی شماره ۱۴ برای حق سلامت عناصر اساسی و به‌هم پیوسته‌ای را قائل شده است که بدون تحقق آن‌ها حق سلامت نیز محقق نمی‌شود. این عناصر عبارتند از این که امکانات کالاها و خدمات پزشکی و دارویی باید: (۱) فراهم، (۲) در دسترس، (۳) قابل پذیرش، و (۴) با کیفیت باشند. روشن است که دسترسی به دانش یا علوم و تکنولوژی مربوط به سلامت برای تحقق عناصر مذکور ضروری است که در ادامه با تفصیل بیشتری به آن می‌پردازیم.

۱-۵-۲-۲. فراهم بودن

^{۴۵}. اساسنامه سازمان جهانی بهداشت، ۱۹۴۶.

^{۴۶}. CESCR, general comment no. 14.

^{۴۷}. Ibid., paragraph 34.

در نظریه عمومی شماره ۱۴ کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آمده امکانات مربوط به سلامت عمومی و مراقبت‌های بهداشتی، کالا و خدمات باید به اندازه کافی فراهم و موجود باشد. نوع و ماهیت دقیق این امکانات و کالاها و خدمات به سطح توسعه یافتگی دولت‌های عضو مربوط می‌شود. برخی از امکانات تعیین‌کننده برای حفظ سلامت عبارتند از: آب کافی و قابل آشامیدن، تجهیزات فاضلاب، بیمارستان‌ها و کلینیک‌ها و ساختمان‌های مربوط به سلامت و داروهای اساسی به آن نحوی که در برنامه عمل سازمان بهداشت جهانی در مورد داروهای اساسی مقرر شده است.^{۴۸}

۲-۵-۲-۲. قابلیت دسترسی

اساس توسعه دسترسی به دانش است و به دنبال آن است که امکان تحقق حقوق بشری به‌نحو شایسته‌ای به‌وجود می‌آید. دسترسی فیزیکی به امکانات و کالاهای مربوط به سلامت نیازمند زیرساخت‌هایی است که در یک نظام و کشور بهره‌مند از توسعه امکان تحققش وجود دارد. برای نمونه، در نظریه عمومی شماره ۱۴، سیستم‌های آب آشامیدنی سالم و فاضلاب بهداشتی برای تأمین حق سلامت مورد تأکید قرار گرفته‌اند. کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مقرر می‌دارد: «کالاها، امکانات و خدمات مربوط به سلامت باید در دسترس همه باشند و این دسترسی باید شرایط زیر را دارا باشد:

۱. بدون تبعیض بین افراد جامعه در دسترس باشند؛
۲. از نظر فیزیکی امکان استفاده از آن‌ها برای همه گروه‌ها و اقشار جامعه فراهم باشند؛
۳. دسترسی اقتصادی نیز از عناصر دسترسی است و به این معناست که کالاها و خدمات و امکانات مربوط به سلامت با قیمت‌هایی ارائه شوند که برای همه قابل خرید و تهیه باشند؛
۴. دسترسی به اطلاعات مربوط به سلامت نیز بخش مهمی از دسترسی به امکانات کالاها و خدمات مربوط به سلامت است.»^{۴۹}

از این چهار نوع دسترسی، به دسترسی اقتصادی می‌پردازیم زیرا دسترسی اقتصادی با بحث دسترسی به دانش و حق سلامت ارتباط ملموس‌تر و مستقیم‌تری دارد.

۲-۵-۳. دسترسی اقتصادی به سلامت و دسترسی به دانش

تغییر و تحولات تکنولوژیکی در سال‌های اخیر موجب توسعه مرزهای علم و تکنولوژی در حوزه‌های مختلف گردیده که حوزه دارویی و پزشکی نیز تحت تأثیر این تحولات قرار گرفته‌اند. از جمله نتایج حاصل از این پیشرفت‌ها نقشه ژنوم انسانی، درمان سل، مالاریا و تلاش برای یافتن درمان ایدز می‌باشد. این توسعه‌ها نویدی بود برای تأمین حق سلامت به‌خصوص برای مردمان کشورهای در حال توسعه که بیش‌تر با بیماری‌های مسری دست‌به‌گریبانند. اما هنوز هم دیده می‌شود که بیماری‌های قابل پیشگیری و قابل درمان هر سال جان میلیون‌ها نفر را می‌گیرند^{۵۰} و با وجود توسعه علم و تکنولوژی نابرابری‌های غیرقابل‌پذیرشی از نظر موقعیت سلامت بین مردم کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه وجود

^{۴۸}. CESCR, general comment no 14, paragraph 12.

^{۴۹}. CESCR, general comment no14, paragraph 12.

^{۵۰}. See Sisule F. Musungu, **Utilizing Trips Flexibilities for Public Health Protection Through South-South Region Frameworks**, South Center, 2004.

دارد. این نابرابری در داخل کشورها، بین مردم ثروتمند و فقیر نیز حاکم است. زیرا قیمت داروها و کالاهای پزشکی بالاست. اما دلیل بالا بودن قیمت چیست؟ یکی از پاسخ‌هایی که می‌توان به این سؤال داد این است که وقتی یک دارو تحت حمایت حق ثبت اختراع قرار می‌گیرد به دلیل ایجاد انحصار قیمت بالا می‌رود. طرفداران تحت حمایت حق ثبت اختراع قرار گرفتن کالاهای مربوط به سلامت، به دو موضوع تشویق نوآوری و تأمین هزینه پروژه‌های تحقیق و توسعه برای توجیه اعطای حقوق انحصاری در امور مربوط به دارو در مان استناد می‌کنند.

۲-۶. حق غذا و دسترسی به دانش

۲-۶-۱. حق غذا

حق غذا به‌عنوان یکی از بارزترین مصادیق حق حیات به‌صورت یک تعهد الزام‌آور در میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، مطرح گردید و دولت‌ها ملزم به تأمین آن شده‌اند. ماده ۱۱ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مقرر کرده است: هر کس حق دارد از یک سطح زندگی مناسب برای خود و خانواده‌اش بهره‌مند باشد که این حق در بردارنده خوراک، پوشاک، و مسکن کافی است. طبق بند ۲ این ماده، اعضای میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی توافق کرده‌اند که به‌منظور رهایی همه افراد از گرسنگی از طریق همکاری بین‌المللی تدابیر لازم را اتخاذ کنند که از جمله این برنامه‌ها، بهبود روش‌های تولید، حفظ و توزیع خوار و بار با استفاده کامل از معلومات فنی و علمی است تا جایی که حداکثر توسعه مؤثر و استفاده از منابع طبیعی تأمین شود.

علاوه بر میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، حق غذا در میثاق حقوق مدنی و سیاسی نیز مورد تضمین قرار گرفته است. آن‌جا که میثاق حقوق مدنی و سیاسی در ماده ۶ خود حق حیات را مورد شناسایی قرار می‌دهد به‌طور ضمنی حق غذا را نیز در نظر داشته است. تعیین محتوای حق غذا مورد توجه کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بوده است. این کمیته در نظریه عمومی شماره ۱۲ خود حق غذا را شامل موارد زیر دانسته است:^{۵۱}

(۱) کافی بودن غذا: تعهد دولت‌ها بر تأمین حق غذا در بردارنده تعهد نسبت به فراهم کردن غذایی است که از نظر کیفیت و کمیت برای پاسخگویی به نیازهای افراد کافی باشد.

(۲) در دسترس بودن غذا: منظور از دسترسی امکان تهیه غذا به‌صورت طولانی مدت و رسیدن به امنیت غذایی می‌باشد. دسترسی شامل دسترسی اقتصادی و دسترسی فیزیکی است.

الف) دسترسی اقتصادی به این معنا است که هزینه‌های پرداختی برای تهیه غذا آن‌قدر زیاد نباشد که توانایی فرد را برای خرید و تهیه سایر نیازهای اساسی از بین ببرد و یا محدود کند.

ب) دسترسی فیزیکی به معنای فراهم بودن غذا است. این امکان باید فراهم باشد که افراد به‌طور مستقیم خود به تولید و کشت محصولات غذایی پردازند و غذای خود را تهیه کنند و یا این که سیستم بازار و فرایند توزیع به‌نحوی باشد که غذای مازاد بر نیاز محل تولید به جایی که به آن نیاز است منتقل گردد.

۲-۶-۲. دانش و تأمین حق بر غذا

^{۵۱}. CESCR, General comment no. 12.

برای تحقق حق بهبود شرایط تولید و نقش دانش و دسترسی به آن، غذا باید از نظر کیفیت و کمیت به نحوی باشد که برای رفع نیاز افراد کافی باشد. امروزه دانش ژنتیک برای تولید محصولات با کیفیت بالا بسیار به کار گرفته می‌شوند. برای مثال در تولید محصولات دارای ویتامین آ از علم ژنتیک استفاده می‌شود. در هر سال ۳ میلیون کودک بر اثر کمبود ویتامین آ نابینا می‌شوند. امروزه بزرگ‌ترین امید برای مبارزه با این تلفات و بالا بردن کیفیت غذا از لحاظ تأمین ویتامین آ اضافه کردن این ویتامین به گیاهان است و برخی بر این باورند که تغییر ژنتیکی احتمالاً بهترین روش برای رسیدن به این منظور است.^{۵۲} علم ژنتیک به تحقق امنیت غذایی نیز کمک می‌کند، مانند تولید و به کارگیری گونه‌های گیاهی مجهز به ژن مقاوم در برابر شوری، خشکی و بیماری‌ها. مؤسسات بسیاری هستند که در این زمینه فعالیت می‌کنند مانند بنیاد ام. اس. سوامیناتان مدرس که برای افزایش درجه پایداری برنج در برابر شوری دریا کار می‌کنند.^{۵۳}

۳-۶-۲. انحصار دانش و حق بر غذا

با استفاده از دانش مربوط به علم ژنتیک، شیوه تولید محصولات غذایی پیشرفت کرده است. بذره‌های به دست آمده دارای ویژگی‌هایی هستند که باعث بهبود کیفیت و کمیت محصولات تولیدی می‌شوند. با این حال امروزه دیده می‌شود که استفاده از دانش جدید برای تولید بذره‌های سودمندتر خود به یکی از عوامل به خطر افتادن امنیت غذایی در دنیای امروز تبدیل شده است. کسانی که به این دانش دست یافته‌اند، از آن استفاده انحصاری می‌کنند و با استفاده از مزایای مالکیت انحصاری روش تولید، بذرها و گیاهان در دنیای تجارت آزاد، باعث افزایش قیمت مواد غذایی می‌شوند.

مشکل به این جا ختم نمی‌شود؛ دیده می‌شود صاحبان فناوری‌های ژنتیک با استفاده و فروش بذره‌های ژنتیک، انسان‌ها را از دسترسی فیزیکی به غذا نیز محروم می‌کنند. بعضی از این بذرها قابل کشت نیستند و کشاورزان نمی‌توانند غذای خود را تأمین کنند، در نتیجه پس از آن دیگر غذایی برای رفع نیاز وجود ندارد. در نتیجه امنیت غذایی که از عناصر اصلی تأمین حق بر غذاست از میان می‌رود و ملت‌های فاقد دانش مربوط به تولید محصولات غذایی به محصولات وارداتی وابسته می‌شوند؛ محصولات گران‌قیمتی که برای پرداخت هزینه‌های آن باید از سایر نیازهای اساسی خود صرف‌نظر کنند.

هر چند بند ۳ ماده ۲۷ موافقتنامه تریپس این اجازه را به کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی داده است که ثبت انحصاری گیاهان حیوانات را ممنوع کنند، اما با این وجود، می‌توانند شکلی از نگهداری مالکیت فکری برای گونه‌های تازه گیاهی را درخواست می‌کنند. موافقتنامه تریپس به وسیله مقررات خود و در مورد حق انحصاری بر موجود زنده و به ویژه دانه‌ها اثری مستقیم روی امنیت غذایی می‌گذارد. بنابراین اگر روش به کار رفته برای تولید گیاهی انحصاری است، صاحب انحصار از حقوق استثنایی بر روی گیاهان تولید شده از این روش برخوردار است. بدین ترتیب کشاورزان خود را در برابر ممنوعیت به کارگیری بذره‌های به دست آمده از این گیاهان می‌بینند.^{۵۴}

انتقاد بسیاری بر مسئله امکان حصول مالکیت فکری انحصاری برای ابداعات مربوط به گیاهان وجود دارد؛ از جمله آن که به وسیله تکنولوژی، در گونه‌های گیاهی که کشاورزان در طی سالیان دراز با انجام گزینش به دست آورده‌اند تغییری ایجاد می‌کنند و با استفاده از مالکیت فکری صاحب حق انحصاری بر روی آن گونه می‌شوند. از این رو گفته می‌شود

^{۵۳}. جام هاوولی، تجارت گورسنگی، ترجمه صلاح‌الدین محلاتی، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۸۶، ص ۱۸۷.

^{۵۴}. See CIDSE, *Patenting of Life, the Poor and Food Security*, Bruxelles, CIDSE (Cooperation international pour le développement ET la solidarite), 1999.

موافقتنامه‌های حقوق مالکیت فکری، حقوق جوامع بر منابع خویش را به رسمیت نمی‌شناسند.^{۵۵} این انتقادات در جای دیگری باید مطرح شود و نقطه نظر این گفتار، تنها توجه به خطری است که انحصار دانش برای امنیت غذایی ایجاد می‌کند. باید گفت سازواره‌های دستکاری شده بزرگ‌ترین تهدید برای امنیت غذایی نیستند، بلکه آن‌چه تهدیدآور است، انحصاری شدن دانش مربوط به بذرها و گونه‌های گیاهی است که موجب می‌شود تا کنترل تهیه و ذخیره آذوقه در اختیار دارندگان حقوق انحصاری قرار گیرد.

به این ترتیب خطر تعلق حقوق انحصاری به ابداعات مربوط به محصولات غذایی در جهان امروز امری است بسیار ملموس و تجربه شده است. شرکت‌های دارنده حقوق انحصاری، هم از سود حاصل از افزایش قیمت حاصل از حقوق انحصاری بهره می‌برند، هم از این امکان برخوردارند که با استفاده از بازار انحصاری، شرایط خود را به مصرف‌کنندگان که اغلب ملت‌های فقیر هستند تحمیل کنند و آن‌ها را با محصولات جدید خود از امنیت غذایی محروم کنند (مانند محصولاتی غیر قابل کشت مجدد) و آن‌ها را از دستاوردهای دانش بشری که انسان‌ها را برای داشتن غذای کافی و مناسب یاری می‌کند محروم سازند.

۴-۶-۲. حق غذا و تعهد دولت‌ها

کمیته حقوق اقتصادی و اجتماعی تعهد دولت‌ها در مورد حق غذا را شامل تعهد به احترام، حمایت و اجرا می‌داند.^{۵۶} الف) تعهد به احترام: این تعهد متضمن آن است که دولت و سازمان‌های آن هیچ اقدامی که در جهت نادیده گرفتن و تعرض این حق باشد انجام ندهند. تعهد به احترام در سطح جهانی نیز مطرح می‌باشد و دولت‌ها باید از انجام اقداماتی که برای دسترسی انسان‌ها به غذای کافی مانعی ایجاد می‌کنند خودداری کنند. این ممنوعیت هم شامل اعمال و تصمیمات دولت‌هاست و هم شامل اعمال و تصمیماتی است که دولت‌ها در قالب سازمان‌های بین‌المللی دولتی به صورتی جمعی اتخاذ می‌کنند. از این رو کمیته در نظریه عمومی شماره ۲ خود مسئله برنامه‌ها و اقدامات سازمان‌های بین‌المللی را که تأثیر منفی بر روی تحقق حقوق بشری دارند مورد توجه قرار داده است.^{۵۷} دولت‌ها به‌عنوان اعضای سازمان‌های بین‌المللی - به‌ویژه سازمان‌های مالی - موظف‌اند هر آن‌چه در توان دارند انجام دهند تا مانع از اتخاذ سیاست‌ها و تصمیماتی مغایر با تعهدات حقوق بشری در این زمینه شود.^{۵۸}

ب) تعهد به حمایت: به‌موجب این تعهد دولت‌ها موظف هستند تا از افراد در مقابل نقض حق غذا توسط اشخاص ثالث جلوگیری کنند.

ج) تعهد به اجرا: دولت‌ها طبق ماده ۱۱ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، متعهد هستند فرصت‌هایی که به‌موجب آن‌ها بهره‌مندی از این حق ممکن می‌شود را تسهیل کنند. به موجب بند ۲ ماده پیش گفته، دولت‌ها باید تدابیری اتخاذ کنند تا شرایط تولید حفظ و توزیع غذا با استفاده کامل از معلومات فنی و علمی و با توسعه یا اصلاح زراعی بهبود یابد.

^{۵۵}. See Action Aid, **Trips and Former's Rights**, Londers, Action Aid, 1999.

^{۵۶}. General Comment IVO12.

^{۵۷}. ESCR, General Comment VO2 (1990), International Technical Assistance, UN Doc, E/1990/23.

^{۵۸}. ESCR, Concluding Observations, Ireland, E/C.12/1/Add.77. 5 June 2002.

تعهد حقوق بشری دولت‌ها برای اجرای حق در سطح بین‌المللی از طریق همکاری دولت‌ها در زمینه‌های علمی و فنی ایفا می‌شود. هر چند مسئله لزوم همکاری بین دولت‌ها نیز در حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در ماده ۲ میثاق مورد تأکید قرار گرفته است. اما اهمیت این همکاری برای تأمین حق غذا پر رنگ‌تر می‌شود. تدوین کنندگان میثاق نیز ضرورت وجود تکنولوژی و دسترسی به علوم جدید را برای تأمین غذای کافی و باکیفیت درک کرده بودند.

نتیجه‌گیری

در معاهدات حقوق بشری، از حق جستجو و دریافت اطلاعات بدون در نظر گرفتن مرزها، به‌عنوان یک حق بشری یاد شده است و برای نوع و یا شکل ارائه اطلاعات محدودیتی ذکر نشده است. به‌علاوه حقوق دیگری که در این معاهدات مورد حمایت قرار گرفته‌اند نیز برای تحقق نیازمند دانش و تکنولوژی روز هستند مانند حق غذای کافی، حق سلامت، حق آموزش، حق مشارکت در زندگی فرهنگی. اما در رأس همه حقوقی که تحقق آن‌ها منوط به دسترسی داشتن به حقوق بشر است، حق حیات قرار دارد. حق حیات که در میثاق حقوق مدنی و سیاسی، شناسایی شده است، به‌عنوان منشاء و دلیل ظهور حق‌های دیگری همچون حق بر غذا، حق مسکن، حق سلامت و غیره به شمار می‌رود.

امروزه خطر انحصار دانش در سطح جهانی مورد توجه قرار گرفته است و فعالان بسیاری در سراسر جهان در جهت تأمین دسترسی آزادانه دانش تلاش می‌کنند و پیش‌نویس‌هایی از سوی این فعالان تهیه و ارائه شده‌اند، مانند پیش‌نویس‌های معاهده دسترسی به دانش^{۵۹} و معاهده تحقیقات و توسعه مربوط به امور پزشکی.^{۶۰} البته تأمین دسترسی آزادانه به دانش نیازمند آن است که از لحاظ نظری نیز ضرورت دسترسی به دانش برای تأمین کرامت انسانی به‌عنوان یک حق بشری به اثبات رسیده و دفاع شود تا بتوان در عرصه بین‌المللی با استفاده از سازوکارها و امکانات حقوق بشری، به‌نحو مؤثرتری از لزوم دسترسی آزادانه به دانش دفاع و از انحصار دانش جلوگیری کرد.

^{۵۹}. Access to Knowledge Treaty (A2KT).

^{۶۰}. Medical Research and Development Treaty (MRDT)

فهرست منابع

۱. انصاری باقر، «مفهوم مبانی و لوازم آزادی اطلاعات»، **نامه مفید**، شماره، ۱۳۸۶.
۲. بشیریه حسین، **آموزش دانش سیاسی**، نشر نگاه معاصر، تهران، ۱۳۸۲.
۳. بشیریه حسین، **گذار به دموکراسی**، نشر نگاه معاصر، تهران، ۱۳۸۴.
۴. جعفرزاده میرقاسم، شرایط ماهوی حمایت از اختراع از نگاه رویه قضایی و اداره ثبت اختراعات، **مجله تحقیقات حقوقی**، شماره ۴۲.
۵. سیدفاطمی سید محمد قاری، «توسعه قلمرو و تضییق محدودیت آزادی بیان در آئینه حقوق بشر معاصر»، **مجله تحقیقات حقوقی**، شماره ۴۱، ۱۳۸۴.
۶. لیست سیمور مارتین، **دایرةالمعارف دموکراسی**، ترجمه کامران فانی و دیگران، وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۸۳.
۷. هاوولی جام، **تجارت گرسنگی**، ترجمه صلاح‌الدین محلاتی، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۸۶.

Adasteinsson Ragnar, Tborballson Pall, "**Article 27 in "The Universal Declaration of Human Rights: A Common Standard of Achievement"**", Gudmundur Alfredsson, Asbjørn Eide, Martinus Nijhoff Publishers, 1999.

Aid Action, **Trips and Former's Rights**, Londers, Action Aid, 1999.

Dahl. R. A., **Democracy and it's Critics**, Yale University Press, London, 1989.

Donnelly Jack, **International Human Rights**, London, West View Press, 1993.

Green Maria, "**Drafting History of the Article 15 (1) (c) of the International Covenant on Economic, Social and Cultural Right**", International Anti-Poverty Law Center, New York, UN DOC.E/C.12/2000/15

Jozeph Sarah Schult Jenny, **The International Convention on Civil and Political Right**, Oxford University press, 2000.

Loucaides Loukis G., **Essays on the Developing Law of Human Rights**, Martinus Nijhoff Publishers, 1995.

Morsink Johannes, the **Universal Declaration of Human Rights: Origins, Drafting and Intent**, University of Pennsylvania Press, 1999.

Musungu Sisule F. **Utilizing Trips Flexibilities for Public Health Protection through South-South Region Frameworks**, South Center, 2004.

Pauwelyn. J, "The Role of Public International law in the WTO: How for Can We Go?", **American Journal of International Law**, 2001.

Toby Mendel, **Freedom of Information: a Comparative Legal Survey**, Macro Graphics Pvt. Ltd., 2003.

Toby Mendel, **The Public's Right to Know: Principles on Freedom of Information Legislation**, Article 19, London, 1999, Preface, at: www.Article19.org/.